



پنجشنبه 29 اسفند 1398 - 24 رجب 1441 - 19 مارس 2020

تصویب ملی شدن صنعت نفت ایران (1329 ش)

تصویب ملی شدن صنعت نفت ایران (1329 ش)، از سال 1329 ش، چشم طمع بیگانگان به دنبال استثمار منابع زیرزمینی کشور بوده و آنان در هر فرصتی به گرفتن امتیازهای گوناگون نفتی اقدام می کردند. پس از لغو امتیاز نفتی داری بین ایران و انگلستان، قرارداد الحاقی گس - گلشاییان به منظور کشف و استخراج نفت توسط شرکت های نفتی انگلیسی منعقد گردید. این قرارداد را جهت تصویب به مجلس بردند که با مخالفت عده ای از نمایندگان مجلس و علماء به ویژه آیت الله کاشانی و مردم روبرو شد. پافشاری های سپهد رزم آرا نخست وزیر پهلوی، این لایحه را بار دیگر به مجلس برد و او که تصویب آن را مشکل یافت، قصد کودتا نمود. اما یک روز قبل از اجرای کودتا، توسط خلیل طهماسبی از گروه فداییان اسلام ترور شد. به دستور آیت الله کاشانی مردم به این قرارداد اعتراض کرده و خواهان ملی شدن نفت ایران شدند. سرانجام با به وجود آمدن آن وضعیت، مجلس به ملی شدن صنعت نفت ایران، رأی مثبت داد و در 29 اسفند 1329 مقرر شد که کلیه عملیات اکتشاف، استخراج و بهره رسانی برداری نفت در دست دولت قرار گیرد.

تأکید حضرت امام خمینی (ره) بر عزا ملی در نه 1342 شمسی (1341 ش)، پس از برگزاری فرامین قلابی شاه در ششم بهمن 1341 و در شرایطی که رسانه ها داخلی و خارجی یکصدا شاه و انقلاب سفید او را می ستودند، نغمه های مخالفت با این همه پرسی از گوشه و کنار و در رأس آنها از جانب امام خمینی بلند شد. حضرت امام طی نشست هفتگی با مراجع و علمای قم، خواهان در پیش گرفتن سیاست مشترك علیه رژیم شده و پیشنهاد دادند که در اعتراض به اعمال رژیم، نوروز 1342 عزای عمومی اعلام شود. این پیشنهاد با استقبال وسیع شخصیت های حوزوی مواجه گردید و آنان نیز ضمن حمایت از امام، عید نوروز را عزای ملی اعلام کردند. پس از این حرکت، شاه در اقدامی وقیحانه با روحانیت اعلام جنگ نمود و مخالفان را به مرگ تهدید کرد. این عمل محمدرضا پهلوی عکس العمل شدید حضرت امام را به دنبال آورد و ایشان طی سخنانی در 29 اسفند 1341 در جمع روحانیان، طلاب و مردم قم به افشاگری علیه رژیم پرداخته و بر موضع خود مبنی بر اعلام عزای عمومی در نوروز 42 پافشاری نمودند. به دنبال تحریم نوروز، در برخی از مساجد و حسینیه ها و منازل علما و در رأس آن بیت حضرت امام، مجالس عزای برپا شد. این عمل باعث زیر سؤال بردن برنامه های شاه شد و خشم حکومت را برانگیخت. از این رو رژیم به این نتیجه رسید که باید با حرکتی قهرآمیز، زهر چشمی به نیروهای مذهبی نشان دهد تا به خیال خود آنان را سر جایشان بنشانند. این فرصت در دوم فروردین 1342 نصیب مزدوران شاه گردید و آنان طی یورش به مدرسه فیضیه، درصدد به اصطلاح سرکوب حوزه علمیه قم و روحانیان برآمدند. این عمل، وقایع مهمی را در پی داشت که مهم ترین آنها، عکس العمل شدید امام طی سخنرانی عاشورای 1342 ش، دستگیری ایشان و وقوع قیام خونین پانزدهم خرداد 42 می باشد.

افتتاح رسمی "سازمان تلویزیون ملی ایران" (1345 ش)، پس از آن که نخستین فرستنده تلویزیون ایران در یازدهم مهرماه سال 1337 پخش برنامه های خود را آغاز کرد، این روز با عنوان آغاز کار تلویزیون ایران نام گرفت. تلویزیون ایران در ابتدا به صورت یک بخش خصوصی اداره می شد که در هر روز چهار ساعت برنامه پخش می کرد. با بهره رسانی از فرستنده های دیگر در سطح کشور و تغییر ساختار آن، تلویزیون ملی ایران در آبان 1345 به صورت تلویزیون دولتی، به طور آزمایشی آغاز به کار کرد. اما افتتاح رسمی سازمان تلویزیون ملی ایران در 29 اسفند 1345 صورت گرفت. در سال 1350 و به دنبال ادغام رادیو و تلویزیون، سازمان واحدی به نام سازمان رادیو - تلویزیون ملی ایران مشغول به کار گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این سازمان به نام صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تغییر نام یافت و با گذشت زمان، فعالیت آن به شکل افزایش فرستنده و شبکه های رادیویی و تلویزیونی در تهران و شهرستان ها و به گسترش نهاد؛ چنان که در حال حاضر (1382) این سازمان دارای 30 مرکز در استان و شهرستان های مختلف ایران، بیش از 18 شبکه رادیویی و منطقه ای در کشورهای مختلف جهان، چندین شبکه بین المللی و خبری، بیش از 18 شبکه رادیویی و تلویزیونی و شبکه های متعدد مختلف صدا و سیما در تهران و شهرستان ها می باشد. حلت فقهی عارف و معتد حسنه آیت الله احمد حنطه (1376 ش)، آیت الله شیخ احمد حجتی در سال 1297 ش (1337 ق) در شهرستان میانه در آذربایجان به دنیا آمد و در کودکی پدر را از دست داد.

وی تحت تکفل و تربیت برادر بزرگش میرزا ابومحمد قرار گرفت. ایشان پس از مدتی تحصیل، راهی خدمت سربازی شد و پس از آن درس را ادامه نداد ولی بر اثر رؤیای صادقانه ای که دید، بار دیگر به تحصیل علوم دینی روی آورد. از این رو

وفات دانشمند کتب "ایه نص فارابی"، معروف به "معلم ثانی"، (339 ق)، محمد بن طرخان، حکیم و فیلسوف شهیر، معروف به ابونصر فارابی، در سال 260 ق در روستایی نزدیک فاراب در خراسان قدیم به دنیا آمد. فارابی از بزرگ‌ترین دانشمندان اسلامی قرن چهارم هجری بوده و به معلم ثانی، استاد الفلاسفه و ملّک الحکما خوانده می‌شود. وی پس از تحصیل مقدمات در فاراب، به بغداد رفته و زبان عربی، ریاضیات و فنون حکمت را آموخت. فارابی با هوش سرشاری که داشت، در تحصیل، دقت بسیار می‌ورزید و با وجود عدم بضاعت مالی، به سرعت در علوم پیشرفت کرد. وی همچنین در طب، منطق، موسیقی و زبان‌شناسی استاد کامل بود. فارابی در اثر تسلط بر زبان‌های متعدد، کتب یونان قدیم را به عربی ترجمه کرد. آراء اهل المدينة الفاضله، إحصاء العلوم، القیاس و ده‌ها اثر دیگر از تالیفات اوست. وی در 79 سالگی در دمشق وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

حلیت علامه شیخ سید مرتضی طباطبایی بروجردی از نسل امام حسن مجتبی (ع) در سال 1155 ق در کربلا به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس مقدمات و سطح، به درس خارج پدرش راه یافت و پس از پنج سال و در حالی که جوانی بیش نبود به اجتهاد رسید. وی همچنین از اساتید نجف و کربلا همچون وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی، میرزا ابوالقاسم مدرس و... بهره جست و سرآمد روزگار گردید. سید بحرالعلوم هفت سال در مشهد و دو سال در حجاز اقامت گزید و در آن جا منشأ خدمات ارزنده‌ی وی گردید و حتی باعث شیعه شدن امام جمعه‌ی مکّه در سن هشتاد سالگی شد. در محضر این عالم بزرگوار، عالمان فراوانی پرورش یافتند که شیخ جعفر کاشف الغطاء، ملا احمد نراقی، محمدباقر شفتی، سید محمدجواد عاملی و... از آن جمله می‌باشند. همچنین الفوائد الرجّالیه، أرجوزة فی الامامة، لؤلؤ البحرین و... از جمله کتب ارزشمند این فقیه بزرگ می‌باشند. سید بحرالعلوم که به علت بیماری در منزل به مطالعه و تالیف می‌پرداخت، سرانجام در 24 رجب (یا 24 ذیحجه) سال 1212 ق در 57 سالگی از دنیا رفت و در کنار مرقد شیخ طوسی در نجف اشرف مدفون شد.

فتح قلعه‌ی خبیر به دست نهانی "حضرت علی (ع)" (7 ق)، خبیر، سرزمین حاصلخیزی در 32 فرسخی شمال مدینه، دارای هفت قلعه و بالغ بر بیست هزار سکنه‌ی یهودی بود. یهودیان خبیر، همچون پایگاه دشمن در نقطه‌ی حساس در حکومت اسلامی، برضد اسلام عمل می‌کردند. یهودیان فرصت‌طلب، علی‌رغم پیمانی که با مسلمانان داشتند، خبیر را کانون مبارزه با اسلام قرار داده و تا می‌توانستند، مشرکان را بر ضد اسلام می‌شوراندند و کمک می‌کردند. پیامبر اسلام (ص) تصمیم گرفت این آخرین کانون ضداسلامی دشمن در مدینه را نیز نابود کند و ریشه‌ی فتنه را درآورد. پیامبر اکرم (ص) با هزار و ششصد نفر، با روش غافلگیرانه، خود را به قلعه‌ی خبیر رساندند. یهودیان به قلعه‌ی خود پناه برده و قلعه‌ی خود را به روی خود بستند. مسلمانان قلعه‌ی خبیر را یکی پس از دیگری گشودند و لی فتح دو قلعه‌ی آخر ده روز به طول انجامید. حضرت رسول اکرم (ص) پس از این که عده‌ی وی از اطرافیان‌ش موفق به فتح آن دو قلعه نشدند، فرمود: فردا پرچم جنگ را به مردی می‌دهم که جنگجویی است که فرار نمی‌کند، خدا و رسول خدا (ص) را دوست دارد، خدا و رسولش نیز او را دوست دارند و خدای تعالی خبیر را به دست او فتح می‌کند. فردا حضرت علی (ع) حاضر گشت و حضرت رسول (ص) پرچم را به دست او سپرد. حضرت علی (ع) به سوی خبیر شتافت و پس از آن که پهلوانان یهود را به هلاکت رساند قلعه‌ی خبیر را به دست مبارک خویش فتح کرد.

دانشمند "لهی ده‌وی" فیزیک‌دان برجسته فرانسوی (1987 م)، پرنس لویی ویکتور پیر رمون دوبروی، فیزیک‌دان معروف فرانسوی، در سال 1894 م در این کشور به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات خود به فیزیک روی آورد و بر اثر تحقیقات و مطالعات در فیزیک کوانتوم، تئوری ذره‌ی وی و موجی بودن نور را در سال 1923 م ارائه داد. براساس این نظریه، نور دارای ماهیت دوگانه‌ی وی به نام ذره و موج می‌باشد. مطالعات دوبروی در علم فیزیک و کشف ماهیت موجی الکترون‌ها، باعث شد تا در 35 سالگی، جایزه فیزیک نوبل سال 1929 م را دریافت نماید. طرح دوبروی، راهگشای بسیاری از پیشرفت‌های نوین در علم فیزیک گردید و او را به عنوان فیزیک‌دان‌ی برجسته مطرح ساخت. لویی دوبروی به عنوان آخرین بازمانده از نسل بنیان‌گذاران فیزیک نوین، سرانجام در 19 مارس 1987 م در 93 سالگی درگذشت.

به قم رفت و به مدت سیزده سال از محضر عالمانی همچون: سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سیدحسین بروجردی، امام خمینی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی بهره برد تا به اجتهاد دست یافت.

آیت الله حجتی سپس در میانه به ارشاد مردم مشغول شد و پس از سالیانی راهی تهران گردید. وی به موازات تلاش علمی و فعالیت تبلیغی و پاسداری از شریعت، در صحنه سیاسی نیز حضوری فعال داشت و پس از بازداشت حضرت امام در جریان قیام پانزده خرداد 1342 علیه رژیم به اعتراض برخاست. افشاگری آیت الله حجتی علیه رژیم خودکامه به آنجا رسید که از سخنرانی ایشان جلوگیری کردند و ایشان ممنوع المنبر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از حامیان نظام به شمار می‌رفت و مورد عنایت امام و مقام معظم رهبری بود.

این فقیه وارسته در زمره مجتهدان و فاضلانی قرار داشت که عمر با برکت خویش را در راه کسب دانش فقه و تدریس

علوم دینی صرف کرد و همزمان با تلاش‌های فکری، ضمن دوری از جنجال‌های تبلیغاتی، به تهذیب نفس و دوری از تعلقات دنیوی پرداخت تا جایی که به موفقیت‌های معنوی و عرفانی والایی دست یافت.

آیت الله احمد حجتی سرانجام در اواخر اسفند 1376 ش در 82 سالگی به دیدار معبود شتافت و در قبرستان نو در قم دفن شد.